

پیش‌خواب

«اسرار آیت» در آیینۀ یک پژوهش

جرم‌ش این بود که اسرار هویدامی‌کرد

■ شاهد توحیدی



اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، به بازخوانی تحلیلی شهید دکتر سید حسن آیت پرداخته است.

م‌گوینی انجام شده و انتشارات اشراق حکمت به انتشار آن همت گماشته است. تارِ نمای انتشارات شهید کاظمی طی یادداشتی، درباره موضوع این کتاب آورده است: «جواد م‌گوینی در این کتاب، ابتدا به‌ادول مختلف زندگانی شهید دکتر سیدحسن آیت از دوران کودکی تا تحصیل در دانشگاه وارد شدن به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در دوران قیل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اشاره نموده و برخی از افشاکاری‌های وی در زمینه مقاصد ضدانقلابی برخی گروه‌ها و افراد ضد انقلاب مانند ابوالحسن بنی‌صدر را – که منجر به ترور شدن وی به دست ضد انقلاب شد– شرح داده است. نویسنده به تگرافی‌های آیت در مورد دست‌اندازی برخی نیروهای معاند در تضعیف انقلاب اسلامی اشاره نموده و برخی از خاطرات نقل شده در این زمینه را منعکس کرده است. به عبارت دیگر در کتاب تلاش شده‌است از مقطع نوجوانی این شهید تا مقولاتی مانند ورود به حزب زحمتکشان و ارتباط با دکتر مظفر بقایی، تشکیل گروه زیرزمینی در ار تش شاهنشاهی، مخالفت با جریان‌های به اصطلاح ملی‌گرای و چند سال آخر عمر این شهید، تحلیلی ارائه شود. مؤلف کتاب بر این باور است، زمانی که آیت تصمیم به کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری می‌گیرد، جامعه مدرسن حوزه علمیه او را کاندیدای خود اعلام می‌کند و بعد از آن جلال‌الدین فارسی نیز به عنوان نماینده حزب



▼ ۱۳۵۹. شهید دکتر سیدحسن آیت در مجلس شورای اسلامی

جمهوری اسلامی معرفی می‌شود. اینها در شرایطی است که جامعه روحانیت مبارز، ابوالحسن بنی‌صدر را به عنوان کاندیدای اصلی خود معرفی می‌کند. این کتاب تأکید دارد آیت برای به وجود نیامدن اختلاف، از کاندیداتوری ریاست جمهوری به عنوان نماینده جامعه مدرسن حوزه علمیه کناره‌گیری کرد و سپس به صورت انفرادی کاندیداشد. نویسنده همچنین درباره انگیزه آیت از کاندیداتوری در انتخابات معتقد است او به دنبال استفاده از شرایطی بود که در منازات بتواند هویت واقعی بنی‌صدر را برای مردم آشکار کند…

جواد م‌گوینی نیز در مقدمه خویش بر «اسرار آیت»، اشاره به نکته‌ای مهم را از نظر دور نداشته است: «بی‌شک سناریوی پیچیدۀ نوآر آیت، تنها برای القای توطئه علیه رئیس‌جمهور و تخریب شخصیت دکتر آیت طراحی نشده بود، بلکه هدف اصلی آن زمینه‌سازی برای اخراج وی از مجلس بود. آنچه وی را از دیگر نمایندگان متمایز می‌کرد، جریان شناسی و ویژه‌اش در شرایط غبار آلود پس از انقلاب بود. از طرف دیگر، پیش از افتتاح مجلس و با توجه به حضور موفق آیت در هیئت رئیسه مجلس خبرگان قانون اساسی، رزمه‌هایی در میان برخی نمایندگان در مورد انتخاب او به ریاست مجلس شورای اسلامی به راه افتاده بود. آیت با تحصیلات عالیه در چندین رشته دانشگاهی، تجربه در دبیری مجلس خبرگان قانون اساسی، دبیری سیاسی بزرگ‌ترین حزب کشور که مناصب کلیدی را در دست داشت و همچنین کسب آرای بالا در انتخابات مجلس، شانس بسیاری برای کسب ریاست مجلس یا نایبی آن را داشت. وی در کسوت ریاست مجلس در برابر قانون‌شکنی‌های بنی‌صدر، سد محکمی می‌شد. به همین سبب طیف بنی‌صدر توطئه نوآر را کلید زدند تا بدین وسیله با رد اعتبارنامه آیت، او را از مجلس اخراج کنند و در صورت محقق نشدن این هدف، حداقل از انتخابش به ریاست یا نایب رئیسی مجلس جلوگیری کنند…»

■ **انوشه میرمعشری**

شهید دکتر سیدحسن آیت از آن طیف، شخصیت‌های انقلابی است که با گذشت پیش از چهار دهه از شهادت‌ش همچنان مورد حقد و کینه جریان غربگراست. گفته‌های او درباره عناصر غرب شیفته و افشاکاری‌هایش درباره سران این جریان پس از چندین دهه همچنان زنده و آگاهی‌دهنده است به ویژه بعد از فتنه ۸۸ و یادآوری مواضع این شهید بصیر درباره میرحسین موسوی از سوی نیروهای انقلابی، بغض و کینه جریان غربگرا نسبت به او علنی‌تر شد. از آنجا که شناخت عناصر غربگرا برای عموم جامعه ضرور می‌نماید، لازم است ه‌را گاه ضمن بازخوانی مواضع و گفته‌های این شهید روشن‌ضمیر درباره روشنفکری وابسته به فرنگ، نسبت به بسط نفوذ و افکار این جریان هشدارهای لازم مطرح شود. در مقال پی آمده، ضمن اشاره‌ای مختصر به حیات سیاسی شهید دکتر آیت، به بازخوانی سخنان و مواضع بصیرت‌زای وی نیز پرداخته‌ایم. امید آنکه تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید. ■ ■ ■

■ **اوپسان نیای خویش اهل سیاست بود**

شهید دکتر سیدحسن آیت – که هم از جانب مادر و هم از جانب پدر، از خاندان سادات بود– در سوم تیر ۱۳۱۷، ش. در شهرستان نجف آباد استان اصفهان به دنیا آمد. پدر بزرگ مادری او از روحانیون برجسته اصفهان بود. آیت‌الله حاج میرسیدعلی نجف‌آبادی از شاگردان خاصی آخوند خراسانی بود و در قضایای گوناگون از مشروطه گرفته تا واقعه کشف حجاب، واکنش سیاسی داشت. همچنین پدر سیدحسن هم روحانی بود. خانواده وی از جنبه اقتصادی در تنگی معیشت و دشواری مالی بودند و تنها منبع درآمد خانواده‌شان، دسترنج پدر از کشاورزی بود. وجود همین شرایط موجب شده بود

یکی از دستاویزهای جریان غربگرا و دشمنان آیت علیه او ماجرای ارتباط وی با مظفر بقایی کرمانی در برهه‌ای از تاریخ بود. هر چه او در مناسبت‌های مختلف بانگ برمی‌آورد که من تا مقطعی از زمان با بقایی ارتباط داشتیم و بعد از اثبات اوجاج سیاسی‌اش از وی جدا شدم و ارتباطم را کاملاً با او قطع کردم، دشمنانش باز بر این مسئله تأکید می‌کردند و با طرح این مسئله، سعی در ترور شخصیت وی داشتند!



▼ ۱۳۵۹. شهید دکتر سیدحسن آیت

دکتر آیت در مقطع انتشار «نوار» سعی کرد با ایراد توضیحاتی درباره مطالب مطروحه در آن همچنان به افشای ماهیت بنی‌صدر بپردازد، ولی متأسفانه جامعه پذیر برای توضیحات او نبود و شعار «آیت کودتاجی اعدام باید گردد»، در محافل مختلف تکرار می‌شد! البته دقیقاً همین مواضع و افشاکاری‌های وی و شهید عبدالمجید دایلمه درباره مشکوک الحال بودن ماهیت میرحسین موسوی نیز از دیگر دلایل جریان غربگرا برای ترور شخصیت او بود

علل کینه‌ورزی جریان غربگرا با شهید دکتر سیدحسن آیت با نگاهی به حیات سیاسی او

رادمردی که

سکوت و عافیت‌طلبی را بر نمی‌تافت

سیدحسن با مناعت طبع، روحیه خودباخته و البته به شدت دینی تربیت‌شود. از آنجا که پدر بزرگ مادرش از مخالفان سرسخت کشف حجاب رضاخانی بود و دوستی عمیقی هم با شهید آیت‌الله سیدحسن مدرس داشت، از ابتدای نوجوانی به مسائل سیاسی علاقه‌نشان می‌داد و پیگیر حوادث سیاسی مربوط به ملی شدن صنعت نفت بود. در همان سن با سختی روزنامه تهیه و بریده مطالب، اخبار و مقالات مربوط به مسائل سیاسی کشور را جمع‌آوری و نگهداری می‌کرد. همچنین از دوره نوجوانی، در بحث‌های سیاسی شرکت می‌کرد و درباره حوادث سیاسی زمانه خویش نظر می‌داد و آنها را تحلیل می‌کرد.^(۱)

■ **یک «غیبه» تمام عیارا**

سیدحسن آیت تحصیلات دوره دبستان و دبیرستان را در شهر نجف‌آباد گذراند و در همان دوره تحصیل، دروس پایه و ابتدایی حوزوی را آغاز کرد. او پس از گرفتن دیپلم و شرکت در کنکور ۱۳۳۵، ش. هم‌زمان در دو رشته ادبیات دانشسرای عالی تهران (تربیت معلم فعلی) و در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تحصیل را آغاز کرد. وی همچنین در فرصت‌های اضافه در کلاس اساتید حوزه علمیه تهران نیز حاضر می‌شد و همچنان تحصیل علوم حوزوی را نیز ادامه می‌داد. وی در سال ۱۳۴۰، ش.و در حالی که ۲۳ سال داشت، با اخذ مدرک لیسانس در دو رشته ادبیات و علوم اجتماعی به زادگاهش برگشت. وی از آنجا که شغل معلمی را انتخاب کرده بود، از طرف وزارت فرهنگ، برای تدریس به شهرستان فریدن استان اصفهان فرستاده شد. با شروع دوران معلمی، فکر ادامه تحصیل از سیدحسن دور نشد و با شرکت در کنکور فوق لیسانس در رشته حقوق دانشگاه تهران قبول شد و هم‌زمان با تدریس در فریدن، برای تحصیل به تهران رفت و آمد مداوم داشت. در ضمن او در همان دوره تحصیل با شرکت در دوره روزنامه‌نگاری مؤسسه اطلاعات توانست مدرک گذاشت و معتقد بود که تنها با تکیه بر این فکر و ایده،



▼ خرداد ۱۳۶۰. مراسم تشییع پیکر شهید دکتر سیدحسن آیت در برابر مجلس شورای اسلامی

یعنی جهانشمول شدن اسلام است که می‌توان مردم مسلمان کشورهای عقب نگه‌داشته شده را بسیج کرد…». در مرامنامه این تشکیلات آمده است: «اسلام کامل‌ترین دین و پاسخگوی کلیه احتیاجات انسانی در هر زمان و مکان بوده و بهترین تضمین برای صیانت از ارزش‌های مادی و معنوی بشریت است…»

از آنجا که فعالیت‌ها و اظهارات سیاسی آیت در کلاس‌های درس از دید مأموران ساواک مخفی نمی‌ماند، مزاحمت‌های زیادی برایش ایجاد می‌کردند. اما زمانی که وی برخلاف بسیاری از دبیران دبیرستان‌های دامغان حاضر به خرید «قرآن آریامهری» و «ایوم عکس فرح» نشد، ساواک رسماً پنهان‌های برای توطئه علیه او پیدا کرد. توطئه‌ای که با تهمت زدن به وی درباره «بوسیدن یک دختر دانش‌آموز» در کلاس درس آغاز شد، اما از آنجا که چنین تهمتی به هیچ وجه از سوی دبیران و دانش‌آموزان انقلابی و مذهبی دامغان پذیرفته نبود، به اعتراض و تحصن علیه این شایعات انجامید. خُسن شهرت و روحیه به شدت مذهبی آیت، موجب شد مردم فریب شایعات به راه افتاده درباره او را نخوردند اما این قضیه در نهایت باعث شد تا وی را بعد از چندین سال تدریس در این شهر از کار بر کنار و دوباره حکم تدریشتی را تعلیق کنند.^(۲)

■ **ادامه مبارزه و تحصیل در مقطع دکتری**
سالیان تدریس سیدحسن آیت در دامغان اما موجب افتادن یک اتفاق خوب و مهم در زندگی‌اش شد. او در این شهر به خواستگاری دختر یکی از روحانیون دامغان رفت و با «مهترانه معلم» از دواج کرد. همسرش نوه یکی از مجتهدین بزرگ سمنان به نام حاج میرزا علی معلم بود که از دوستان نزدیک امام خمینی(ره) به شمار می‌رفت. البته، وصلت با این خانواده روحانی و انقلابی، حساسیت ساواک دامغان علیه وی را بیشتر نیز کرده بود.

در زمان دبیری آیت در شهر دامغان، همسرش در رشته حقوق دانشگاه تهران مشغول تحصیل بود و به همین دلیل، مدام میان تهران و دامغان رفت و آمد می‌کرد، اما مدتی بعد از جریان تحصن دبیران و واکنش ساواک و سپس تعلیق حکم تدریس آیت، حکم جدیدی برای تدریس در دبیرستان‌های جنوب شهر تهران برای وی زده شد. به این ترتیب عدوسبب خیر شد و سیدحسن کلاً به تهران آمد و علاوه بر زندگی در کنار همسر و تدریس در دبیرستان‌های جنوب شهر، در کنکور دکتری رشته ادبیات شرکت کرد و بعد از قبولی، تحصیل را نیز در این مقطع آغاز نمود. گرچه در نهایت با دخالت ساواک، هیچ‌گاه مدرک دکتری او صادر نشد! به هر روی حضور در تهران، بر کات زیادی برای آیت به همراه داشت، زیرا تحصیل در مقطع دکتری، از سویی موجب ایجاد بستر تدریس در مدرسه عالی قضایی قم، مدرسه عالی لاهیجان و دانشگاه علم و صنعت و مدرسه عالی اراک را فراهم آورد بود و از سوی دیگر، بودن در تهران از طریق شهید آیت‌الله بهشتی، شرایط پیوند با مبارزان این شهر به ویژه شهید آیت‌الله مطهری، شهید دکتر باهر و حاجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، و دیگران را ایجاد کرده بود. گرچه اینگونه فعالیت‌های سیاسی، برایش بی‌دردسر نبود و به طور مثال موجب شد که چندین بار به واسطه سخنانش در کلاس درس در قم به ساواک احضارشود و سختی‌های زیادی در این راه تحمل کرد.^(۳)

■ **آیت تأسیس حزب جمهوری اسلامی**

با پیروزی انقلاب اسلامی، سیدحسن آیت همراه تنی چند از دوستان روحانی و مبارزان چون آیت بهشتی، خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی، باهنر و موسوی اردبیلی حزب جمهوری اسلامی را تأسیس کرده و از همان ابتدای فعالیت حزب به آن جلسه‌های مطروحه و در آن جلسه‌ها حضور داشت. او به دلیل فعالیت وسیع و طولانی در فضای سیاسی کشور، اطلاعات گسترده‌ای درباره شخصیت‌های تاریخی و عملکرد آنها داشت. این خصیصه موجب می‌شد تا نقش مهم و اساسی در سیاستگذاری و اتخاذ مواضع انقلابی حزب برزور ایفا کند. آیت در محاسبه‌ای با روزنامه کیهان، پیشینه‌ای از فعالیت حزبی خود را شرح می‌دهد و مواضع حزب جمهوری اسلامی را درباره یک تخصص و فعالیت جوانان بیان می‌کند. در بخشی از این مصاحبه آمده است: «ما قبل از انقلاب هم به صورت احزاب بدون اسم و رسم متشکل بودیم و مخفی کار می‌کردیم. ما نقش مهم و اساسی در سیاست‌های نظامی و ایدئولوژیک داشت. هر حزب می‌توانست دولتی تشکیل دهد و از نظر افراد هم کاملاً غنی بود و به آن صورت هم که می‌گویند قطار رجال است، صحت ندارد، زیرا این به‌اصطلاح رجال حتماً نباید از ۵۰ سال بیشتر داشته باشند تا مثلاً بتوانند وزیر شوند. ما بیشتر معتقد به استفاده از نیروهای جوان هستیم، چه اشکال دارد مثلاً یک جوان ۲۵ یا ۳۰ ساله وزیر شود. البته ممکن است تجربه کمتری داشته باشند، ولی صداقت صد برابر بیشتر است و این برای ما بیشتر ارزش دارد، زیرا همین افراد انقلاب کرده‌اند و همین‌ها می‌توانند آن را پیش ببرند، همانطور که در اشغال سفارت امریکا شاهد آن بودیم. ما می‌خواهیم توسط تشکیلات حزبی، چنین نیروهای دانشناخت‌های را جذب کنیم و به کار گیریم…»^(۴)

■ **نقش آفرینی مؤثر در تصویب قانون اساسی**
در انتخاباتی که ابتدای تابستان ۱۳۵۸، ش. برای تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی بر گزار شد، سیدحسن آیت توانست با جلب آرای مردم اصفهان به عنوان نماینده مردم این شهر وارد این مجلس شود. آیت در این مرحله از حیات سیاسی خود توانست در تصویب قوانین انقلابی اساسی

۹ جوان

| روزنامه جوان | شماره ۷۱۲۶

چون، گنجاندن وظایف و حدود اختیارات نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تصویب اصل ۴۹ (وظیفه نظام برای برخورد با درآمدهای نامشروع مالی، رشوه، ربا، غصب، اختلاس، قاچاق و…)، اصل پنجم که درباره جایگاه ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی و… نقشی اساسی ایفا کند. طبیعی بود که در مسیر ایفای این نقش نیز با بسیاری از سیاسیون ملی‌گرا، روشنفکر، غریزده و حتی مارکسیست‌ها درگیر شود. این درگیری‌ها حتی بعد از تصویب قانون اساسی نیز تداوم یافت و در جریان برگزاری اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری به رویارویی شدید وی با ابوالحسن بنی‌صدر انجامید.

باید در نظر داشت که در آن روزگار، ماهیت بنی‌صدر نه تنها برای بدنه مردم ایران که حتی برای بسیاری از خواص و رجال سیاسی و انقلابی هم مشخص نبود. در واقع مواضع به ظاهر انقلابی بنی‌صدر و شعارهای به ظاهر دینی او، موجب می‌شد حتی بسیاری از سیاسیون مذهبی هم سخنان آیت را درباره بنی‌صدر بساور نکنند! به عنوان مثال بنی‌صدر در دوره سرپرستی وزارت اقتصاد، ادعا کرده بود برای بانکس را حذف و به جایش بانکداری اسلامی را جایگزین می‌کند. بسیاری از علما و مردم‌متدین، شدیداً از این سخن او استقبال کردند این در حالی بود که بنی‌صدر، نه طرحی برای حذف رای بانکس ارائه کرده بود و نه حتی برنامه‌ای برای اداره بانک‌ها براساس قوانین اسلامی به بانک مرکزی تحویل داده بود.^(۵) اما اینگونه شعارهای وی، باعث علاقه‌مندی و گرایش بدنه مردم به سمت وی شده بود.

■ **«نوار آیت» و حقیقتی که دیده نشد**

مخالفات‌های آیت با بنی‌صدر در جریان برگزاری انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری، موجب ایجاد حقد و کینه جماعت طرفدار بنی‌صدر نسبت به آیت شد. یک ماه بعد که قرار شد انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی برگزار شود، به دلیل افشاکاری‌هایی که آیت علیه برخی نامزدهای انتخابات کرد، درگیری‌های جدیدی هم با جریان ملی‌گرا و نهضت آزادی پیدا کرد. با این همه پس از برگزاری انتخابات و راهپایی اکثریت نامزدهای حزب جمهوری اسلامی از جمله سیدحسن آیت به مجلس شورای اسلامی، دشمنی بنی‌صدر و ملی‌گرا‌ها با وی علنی‌تر شد. به ویژه بعد از انتشار متن نوار صوتی جلسه خصوصی یکی از دانشجویان با سیدحسن آیت در روزنامه انقلاب اسلامی – شماره ۳۱۶، مورخ ۲۸ خرداد ۱۳۵۹.

ش- بنی‌صدر و طرفدارانش بهانه‌ای برای حمله به حزب جمهوری اسلامی و مخالفان خود پیدا کردند. البته این هجمه نه تنها از سوی روزنامه انقلاب اسلامی که در روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۱۶۸ مورخه ۲۸ خرداد ۱۳۵۹، ش. ص ۱ و ۳، روزنامه بامداد، مورخه ۲۹ خرداد ۵۹ ص ۱ با عنوان «متن نوار آیت علیه رئیس‌جمهوری افشا شد» نیز انجام شد. البته در میان روزنامه‌ها، روزنامه کیهان تنها روزنامه‌ای بود که علاوه بر درج اخبار مربوط به نوار آیت، در شماره‌های ۱۰۲۴ و ۱۰۲۵ و ۱۰۲۶، مورخ ۲۹ و ۳۱ خرداد ۵۹، مصاحبه‌هایی با سیدحسن آیت هم داشت و نظرات وی را منعکس کرد. این در حالی بود که اظهارات آیت در آن جلسه خصوصی درباره بنی‌صدر و طرفدارانش درست بود. مواضع غربگرایانه بنی‌صدر، مخالفتش باصل ولایت فقیه در دوره تصویب قانون اساسی، ارتباط او با سفارت امریکا و مواضعش درباره انقلاب فرهنگی… نکاتی بود که امروز موجب دشمنی و نفم آن بر همگان مشخص شده است، اما در آن برهه زمانی، سخنانی نادرست و توطئه‌آفرینی علیه دولت تلقی می‌شد.

آیت در آن مقطع سعی کرد با ایراد توضیحاتی درباره مطالب مطروحه و در آن جلسه‌ها همچنان به افشای ماهیت بنی‌صدر بپردازد، ولی متأسفانه جامعه پذیرای توضیحات او نبود و شعار «آیت کودتاجی اعدام باید گردد»، در محافل تاریخی و سیاسی تکرار می‌شد.^(۶) البته دقیقاً همین مواضع و افشاکاری‌های سیدحسن آیت و شهید عبدالمجید دایلمه درباره مشکوک الحال بودن ماهیت میرحسین موسوی نیز از دیگر دلایل جریان غربگرا برای ترور شخصیت او بود.

■ **کلام آخر**

یکی از دستاویزهای جریان غربگرا و دشمنان شهید دکتر سیدحسن آیت علیه او ماجرای ارتباط وی با مظفر بقایی کرمانی در برهه‌ای از تاریخ بود. هر چه آیت در مناسبت‌های مختلف بانگ برمی‌آورد که من تا مقطعی از زمان با بقایی ارتباط داشتم و بعد از اثبات اوجاج سیاسی‌اش از وی جدا شدم و ارتباطم را کاملاً با او قطع کردم، دشمنانش باز بر این مسئله تأکید می‌کردند و با طرح این مسئله، سعی در ترور شخصیت وی داشتند. اما شهادت او در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۳۶۰، ش به وسیله منافقین آن هم با شلیک ۶۵ گلوله به سوی او نقطه پایانی برای آن سیاهنمایی‌ها بود.

منابع:

۱- م‌گوینی، جواد، «اسرار آیت»- زندگی و زمانه شهید دکتر حسن آیت-، نشر اشراق حکمت، چاپ دوم ۱۳۶۶.
ش، صفحات ۲۳ تا ۲۶
۲- همان، صص ۳۶ و ۳۷
۳- همان، صفحات ۴۱ تا ۵۴ و ۵۵
۴- همان، صص ۵۵ و ۵۷
۵- روزنامه کیهان، مورخ ۱۷ دی ۱۳۵۸، ش.و
حزب جمهوری اسلامی، «درس‌هایی از تاریخ سیاسی ایران»- سخنرانی‌های درسی حسن آیت در قم-، نشر حزب جمهوری اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۳، ش. ص ۱۰
۶- اسرار آیت، ص ۳۱۸
۷- درس‌هایی از تاریخ سیاسی ایران، صفحات ۷۳ تا ۷۵